

## تحلیل

## چرا اروپا به دنبال اسلام‌هراسی است؟



حداقل در دو دهه گذشته، یک دوره تکراری اسلام‌هراسی در اروپا اتفاق افتاده است و به طور کلی به این صورت است؛ برخی از شخصیت‌های راست افراطی که به دنبال جلب توجه و ایجاد جنجال هستند، اقداماتی مانند هتک حرمت و سوزاندن قبران با هدف ایجاد جنجال و دشمنی با میلیون‌ها مسلمان در سراسر جهان انجام می‌دهند. اخیراً نیز پلیس سوئد به مردی اجازه داد تا صفحات قرآن را در مقابل مسجد اصلی شهر استکهلم به آتش بکشد. پلیس سوئد گفته در راستای حمایت از آزادی بیان اجازه این اقدام را داده است ولی این اقدام سوئد موج اعتراضات را در بین مسلمانان جهان که جمعیتی بیش از دو میلیارد نفر را تشکیل می‌دهند، پدید آورده است. در این رابطه در وینار معاونت بین الملل بعثه حج با دکتر عبدالقادر حدوش، نماینده سابق مهاجران الجزایری ساکن فرانسه در پارلمان الجزایر دربارۀ ریشه‌های اسلام‌هراسی در اروپا گفت و گویی انجام شده است که در ادامه می‌خوانید:

چرا در دو دهه اخیر پدیده اسلام‌هراسی به صورت گسترده در قاره اروپا اتفاق افتاده است؟

در واقع پاسخ به اینکه چرا اسلام‌هراسی در اروپا به راه می‌افتد کاری پیچیده و چندجانبه است. اسلام‌هراسی یک امر تک بعدی نیست که بتوان برای آن یک ریشه و یک راهکار واحد پیدا کرد بلکه برخی ابعاد آن را باید در تاریخ جست‌وجو کرد و برخی ابعاد آن را در زمینه‌های اجتماعی و مخصوصاً مهاجرت مسلمانان به غرب و برخی ابعاد آن را از حیث رسانه‌ای باید مورد بررسی و ریشه‌یابی قرار داد.

آیا تحولات اخیر در منطقه غرب آسیا با محوریت تروریسم تکفیری داعش، زمینه تشدید اسلام‌هراسی در غرب را بیش از پیش فراهم کرده است؟

یکی از مسأله‌های مهمی که دشمنان امت اسلام در اروپا و همین فرانسه که من در آن زندگی می‌کنم از آن در راستای اسلام‌هراسی استفاده می‌کنند اظهار و ابزار تکفیری‌های تروریست به عنوان چهره واقعی از اسلام است. به طور مثال زمانی که تکفیری‌ها از ۲۰ ملیت به سوریه آمدند تا به شکل غیرقانونی با دولت قانونی بشار اسد رویارویی کنند و نیادی جنایتکار به اسم داعش راه‌اندازی کردند، رسانه‌های غربی تلاش کردند این گروه تکفیری و ترسناک را چهره‌ای واقعی از اسلام به مردم معرفی کنند و حقیقت آن است که در این کار نیز تا حد زیادی موفق بودند.

در اروپا برخی از مردم واقعاً فکر می‌کنند چهره واقعی اسلام همان داعش است و این طرف یک ریز و دو ریز پیش نیامده است بلکه سالها برای این ذهنیت‌سازی غلط کار شده است. آنها تصور می‌کنند اسلام یک مکتب خشن است که با زور می‌خواهد کار را جلو ببرد و هیچ گزاره اخلاقی ندارد.

البته گروهی دیگر از مردم نیز اصلاً برایشان اهمیتی ندارد که اسلام چیست و چه می‌گوید و اساساً برای شناخت ابعاد واقعی ادیان از جمله اسلام اهمیتی قائل نیستند. گروه سومی از مردم هم نسبت به تحقیق در مورد اسلام اهتمام می‌ورزند و به دنبال پاسخ به سوالاتشان هستند.

برای مواجهه با این حرکت فراتر که باعث شده مسلمانان مهاجر در فشار روحی و جسمی قرار گیرند و مانع فعالیت‌های اسلامی در کشورهای غربی و برخی از کشورهای شرقی می‌شود چه باید کرد؟

اولین عامل مهم در ذهنیت‌سازی برای اروپایی‌ها شیوه تعامل مسلمانان مهاجر با آنان است. این مسأله شاید از هر مسأله دیگری در مقابله با اسلام‌هراسی مهم‌تر است. این باید به یک فرهنگ تبدیل بشود که مسلمانان مهاجر خود را سفیر اسلام بدانند و اعتقاد پیدا کنند که هر آنچه که از ریز و درشت در غرب انجام می‌دهند به ذهنیت غربی‌ها در مورد اسلام تبدیل خواهد شد. پیامبر اسلام (ص) همواره برای پیروان ادیان دیگر احترام قائل بودند و این مسأله موجب برقراری ارتباط دوستانه امت اسلام با پیروان ادیان دیگر بوده است. شیوه پیامبر اسلام (ص) در برخورد با غیرمسلمانان اکنون نیز باید سرلوحه رفتار مسلمانان باشد. احکام شرعی بسیاری در خصوص احترام به پیروان ادیان الهی در شریعت اسلامی آمده است که باید در میان مهاجران مسلمان منتشر و فرهنگ‌سازی شوند.

یکی از مسائلی که باید حتماً روی آن تمرکز شود و برای آن برنامه‌ریزی جامعی صورت بگیرد گفت‌وگو با پیروان ادیان است. این مسأله باید از طریق کنفرانس‌ها با حضور چهره‌های تأثیرگذار و صاحب‌اندیشه برگزار شود تا ذهنیت اندیشمندان غیرمسلمانان از طریق نخبان جهان اسلام در خصوص اعتقادات اسلامی و فرهنگ اسلامی شکل بگیرد.

یکی از مواردی که ما برای تأثیرگذاری و مقابله با اسلام‌هراسی باید با جدیدیت آن را دنبال کنیم، رسانه است. مردم اروپا سوالات بسیار زیادی در مورد حقیقت اسلام دارند و شکیبای زیادی در مورد تکفیری‌ها در اذهان آنان شکل گرفته است و ضرورت وجود رسانه‌های قوی در پاسخگویی به سوالات آنان احساس می‌شود. امروز اروپا رو به انحطاط و انحراف است تا جایی که جوامع غربی متأسفانه از طبیعت و فطرت انسانی خودشان در حال خارج شدن هستند و صحبت از ازدواج همجنس‌بازان یا یکدیگری می‌کنند که هیچ عقل و فطرت انسانی‌ای پذیرای آن نیست. از قرآن‌سوزی‌ها حمایت می‌کنند و آن آزادی بیان می‌نامند ما باید اسلام اصیل را به غرب عرضه کنیم تا آنان با این مکتب الهی و انسانی که ضامن سعادت دنیا و آخرت است، آشنا شوند.



عکس‌ها: ابوالفضل نسایی



## چرا باید از «شادپیمایی غدیر» دفاع کرد؟

## گزارش

## جعفر حسن خانی

سیاست‌پژوه

۱. همواره تشیع در معرض این انتقاد بوده که به سوگ اهتمام جدی دارد و از شادی گریزان است. برای سوگ، مناسک جمعی‌اش بسیار است و اما برای شادی مناسک‌ش حداقلی است. فارغ از جوانب معرفت‌شناسانه و تاریخی پاسخ به این انتقاد، آنچه در شرایط حاضر مهم است، این است که ضرورت بازسازی مناسک شیعی شاد همواره در جامعه احساس می‌شده. برگزاری مراسم «شادپیمایی غدیر» پاسخی است به انتقادها و ضرورت اجتماعی و نشانی است از تحول خواهی شیعی. تحول خواهی‌ای که در چهارچوب فقه و معارف شیعی تلاش می‌کند پاسخ به اقتضانات و نیازهای زمانه را هم بدهد. شادپیمایی غدیر را حمل بر پوپالی و تحول خواهی خودخواسته

شیعه باید کرد نه چیز دیگر. ۲. آنجا که هویت شیعی و هویت ایرانی هر دو به دگرسازی هویتی توجه داشته و اهتمام دارند، طبیعی است که خرد ایرانی-شیعی در میان اعیان اسلامی و شیعی، به برجسته کردن شیعی‌ترین عید برای آفرینش مناسک شیعی شاد اهتمام داشته باشد. نکته جالب ماجرا این است که این دگرسازی هویتی نوآمان با اصرار و احترام است. شیعه هم به غدیر اصرار دارد و هم هم‌زمانه با مخالفین غدیر مواجه می‌شود آن هم در وضعیتی شادمانه نه ستیزه‌جویانه.

۳. هویت جمعی و «ما» حاصل زیست و خاطرات مشترک است. عرصه عمومی «ما» می‌سازد و کارویزه‌اش ساختن جایی برای با هم بودن است. «ما»ی ایرانی حاصل تاریخ شادی‌ها و غم‌های مشترک است. هر چقدر مکان‌هایی شکل بگیرد که بدن‌ها در یک وضعیت مسالمت‌آمیز به مفاهمه بپردازند و در پی آن به درک مشترک، فهم مشترک، غم مشترک، شادی مشترک، خشم مشترک نزدیک شوند آنجا «ما» در جامعه شکل می‌گیرد. اگر تاریخ تجمع و با هم بودن

ایرانیان نگاشته شود، پرواضح است آنچه که ایرانیان را در هزاره گذشته و پیش از آن در کنار هم جمع می‌کرده، مکان‌ها و مناسک مذهبی بوده‌اند. لذا طبعاً هویت جمعی ایرانی، «ما»ی قدرتمند و البته مذهبی دارد. جامعه‌ای که مردمانش بیشتر احساس «ما» بودن بکنند آن جامعه، قوی‌تر است و شادمانه در آن جامعه معنای خود را از دست می‌دهد. شادپیمایی غدیر را هم باید به آن تاریخ تجمع‌های ایرانی افزود. شادپیمایی غدیر شکلی از عرصه عمومی است و جایی است که «ما» ساخته می‌شود آن هم در یک وضعیت شادمانه. این رویداد را باید یک سیاست هویتی مینهنی و مذهبی موفق قلمداد کرد.

۴. تاریخ تشیع مؤید این است که شیعه وقتی دولت نداشته همواره در یک وضعیت غیرطبیعی قرار داشته است و زمانه علیه او عمل کرده و نه تنها او را از انجام مناسک باز داشته که از هویت شیعی خود نیز منع کرده و در بیشتر موارد جانش را نیز از دست داده است. بدون حکومت شیعی چگونه ممکن بود «سوگ‌پیمایی» اربعین به عنوان

بزرگ‌ترین راهپیمایی تاریخ بشر، راه‌اندازی و تضمین شود؟ هیچ‌گاه پیش از جمهوری اسلامی چنین رویدادی با چنین مختصات استثنائی رقم نخورده است. رویدادهای مشابه همگی در عصر حکومت‌های شیعی رخ داده‌اند. در تاریخ، شیعیان بدون حکومت، مناسک تمدنی و تعیینی شان جایی در وجه پیدای جامعه نداشته است. با لحاظ آنچه گفته شد، مردمی بودن در برگزاری مناسک شیعی در برابر حکومتی بودن نیست، بلکه در برابر بوروکراتیک شدن است. بله مناسک باید با نظم خود به عینیت‌های تمدنی است و در یک کلام در مقام تفصیل است. شیعه پیش از حکومت در مقام اجمال بوده و بعد از تصاحب جامعه‌سازی، دولت‌سازی و تمدن‌سازی است. در مقام تبدیل فرهنگ و ارزش‌های خود به عینیت‌های تمدنی است و در یک کلام در مقام تفصیل است. شیعه پیش از حکومت در مقام اجمال بوده و بعد از تصاحب قدرت در مقام تفصیل. نباید مقام تفصیل را بدعت یا فربهی مناسک نامید. در برابر پاسخ به نیازهای جمعی و ضرورت‌های اجتماعی بیشتر صورت‌بندی مانع‌کننده‌ای در مقام تجسس و جاماندگی است. البته باید به این مهم التفات داشت که مقام تفصیل همواره نیازمند به دانش فقه شیعه است.

## مردمی بودن در برگزاری مناسک شیعی در برابر حکومتی بودن نیست، بلکه در برابر بوروکراتیک شدن است.

## بله مناسک باید با نظم جامعه‌سازی، دولت‌سازی و تمدن‌سازی است.

## تضمین و تأیید و حمایت حکومت شیعی برگزار شود

## مقاومت

## جانانه و سرسختانه

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

## مقاومت

در مقابل این اشغالگران جنایتکار استوار و قدرتمند هستند و جان خود را در دفاع از بیت‌المقدس و مسجدالاقصی و دفاع از مردم فلسطین فدا می‌کنند. این رهبر برجسته در جنبش حماس در غزه گفت: این استواری و این مقاومت در داخل جنین و کرانه باختری و همچنین گسترش حوزه درگیری، تقابل و عملیات کفیی در میادین کرانه باختری از مهم‌ترین اقدامات مقاومت در مقابله با تجاوزگری صهیونیست‌ها است و این که اشغالگران صهیونیست نباید احساس امنیت کنند و مقاومت جانانه و سرسختانه جناح‌های مردمی، مقاومت مسلحانه، عملیات انفرادی و عملیات سازماندهی شده علیه این رژیم صهیونیستی مبارزه خواهد کرد و علاوه بر این، ما تأیید می‌کنیم که وحدت میدانی بین مقاومت وجود دارد و گروه‌های مقاومت فلسطینی در غزه این پیام قوی را به همه میانی‌ها و دیگران رساندند که اگر صهیونیست‌ها به جنایت‌های خود در جنین ادامه دهند، ما با آنها وارد نبرد خواهیم شد و در این نبرد همه گزینه‌ها و امکانات استفاده خواهد شد.



درد و این مقاومت مردمی است. اسماعیل رضوان گفت: ما امروز تأیید می‌کنیم که این مقاومت دلورانه و استوار صهیونیست‌ها در میان همه گروه‌های فلسطینی، مانند گردان‌های القسام، گردان‌های قدس، گردان‌های ابوعلی مصطفی، گردان‌های شهدای الاقصی و آنها

را متحمل کند. اسماعیل رضوان افزود: این مقاومت با وحدت میدانی و وحدت ملی که به آن افتخار می‌کنیم، توانست این پیروزی را رقم بزند و تأکید می‌کنیم که این پیروزی به کارنامه پیروزی‌های مقاومت افزوده خواهد شد و منجر به گسترش مقاومت و تشکیلات نظامی آن‌ها در شهرها و روستاهای کرانه باختری می‌شود. وی گفت: این پیروزی تأیید کرد که جنین باختری شکست‌ناپذیر است و اشغالگران صهیونیستی در مسیر نابودی هستند. وی گفت: این پیروزی باعث تغییر توازن و تحولات به نفع مقاومت در کرانه باختری خواهد شد و ما در حال صحبت از مرحله جدیدی هستیم که در آن مقاومت در کرانه باختری در حال پیشرفت روزافزون است. رضوان با اشاره به اهداف دشمن از این تجاوز جنایتکارانه تأکید کرد: هدف اشغالگران صهیونیست از این عملیات جنایتکارانه این بود تا مقاومت را از بین ببرد، ولی در نهایت چیزی جز شکست نصیب صهیونیست‌ها نشد، زیرا مقاومت ریشه در ملت فلسطین